

رابطه شیوه های فرزندپروری و دین مداری با تاب آوری دانش آموزان

The relationship between parenting styles and religiosity with students' resilience

Shahla Shaukatpour Lotfi

PhD Student in Psychology, Department of Psychology, Rasht Branch, Islamic Azad University, Guilan, Iran

Mohammad Shamsian

PhD Student in Clinical Psychology, Department of Clinical Psychology, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

Email: mohammad.shamsian@yahoo.com

شهلا شوکت پور لطفی

دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، گیلان، ایران.

محمد شمسیان*

دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی بالینی، واحد بین المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران.

Abstract

The aim of this study was to determine the relationship between parenting styles and religiosity with resilience in students. The research method was descriptive and correlational and applied in terms of purpose. The study population included all high school students in the public model schools of Fooman city in 1400, from which 200 students (100 girls and 100 boys) were selected by two-stage cluster sampling method and died according to the parenting methods questionnaire (1991). Glock and Stark (1965) and Connor & Davidson (2003) Resilience Scale. Findings were analyzed using SPSS software. The results showed that there is a positive and significant relationship between parenting styles and religious attitudes with resilience in students.

Keywords: Resilience, Religiosity, Parenting methods, Students.

چکیده

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین شیوه های فرزند پروری و دین مداری با تاب آوری در دانش آموزان بود. روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی و از لحاظ هدف نیز کاربردی بود. جامعه تحقیق شامل تمامی دانش آموزان مقطع متوسطه در مدارس نمونه دولتی شهرستان فومن در سال ۱۴۰۰ بودند که از میان آن ها ۲۰۰ دانش آموز (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر) به روش نمونه گیری خوشه ای دو مرحله ای انتخاب شده و به پرسشنامه ی شیوه های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱)، مقیاس سنجش دین مداری گلاک و استارک (۱۹۶۵) و مقیاس تاب آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) پاسخ دادند. یافته های پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که بین شیوه های فرزندپروری و نگرش مذهبی با تاب آوری در دانش آموزان رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

واژه های کلیدی: تاب آوری، دین مداری، شیوه های فرزندپروری، دانش آموزان.

مقدمه

تاب‌آوری جایگاه ویژه‌ای در حوزه روانشناسی تحول، روان‌شناسی خانواده و بهداشت روانی دارد. گارمزی^۱ و ماستن^۲ (۱۹۹۱)، تاب‌آوری را به عنوان نوعی فرایند، توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت با داشتن موقعیت تهدیدکننده تعریف کرده‌اند. به عبارت دیگر تاب‌آوری عاملی است که به افراد در رویارویی و سازگاری با موقعیت‌های سخت و تنش‌زای زندگی کمک می‌کند (ایزدیان، امیری، جهرمی و حمیدی، ۲۰۱۰)، افسردگی را کاهش می‌دهد (وایت^۳، درایور^۴ و وارن^۵، ۲۰۱۰)، و همچنین توانایی سازگاری با درد (اسمیت^۶، تولی^۷، مونتاگیو^۸، رابینسون^۹، کاسپر^{۱۰} و پائول^{۱۱}، ۲۰۰۹) و کیفیت زندگی را افزایش می‌دهد (رنجبر، کاکاوند، برجعلی و برماس، ۱۳۹۰).

کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) معتقدند تاب‌آوری توانایی فرد در برقراری تعادل زیستی-زیستی در شرایط خطرناک است. تاب‌آوری همچنین بازگشت به تعادل اولیه یا رسیدن به تعادل سطح بالاتر در شرایط تهدیدکننده است و از این رو سازگاری موفق در زندگی را فراهم می‌کند. درواقع تاب‌آوری شرکت فعال و سازنده فرد در محیط خود محسوب می‌شود. علاوه براین تاب‌آوری نوعی ترمیم خود با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی است. افراد دارای تاب‌آوری بالا انعطاف‌پذیری بیشتری در مقابل شرایط آسیب‌زا دارند و خود را در برابر این شرایط حفاظت می‌کنند (کامفر، ۱۹۹۹). عوامل متعددی از جمله ویژگی‌های روانی-اجتماعی، حمایت اعضای خانواده و دوستان و حمایت سیستم‌های اجتماعی در ایجاد و ارتقای میزان تاب‌آوری نقش دارند. در این میان یکی از مهمترین عواملی که نقش بسیار چشمگیری در ارتقای تاب‌آوری ایفا می‌کند شیوه‌های فرزندپروری است. کودک در خانواده پندارهای اولیه را درمورد جهان فرا می‌گیرد، از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می‌یابد، شیوه‌های سخن گفتن می‌آموزد، هنجارهای اساسی را یاد می‌گیرد و سرانجام نگرش‌ها، اخلاق و روحیاتش شکل می‌گیرد (اقلیدس و هیبیتی، ۱۳۸۳). روابط والدین و فرزند، نظام و شبکه‌ی درهم‌پیچیده است که در اثرکنش متقابل شکل می‌گیرد. جو حاکم بر خانواده و رفتار والدین در چگونگی احساس فرد از خود و توانایی‌هایش مؤثر است. مهارت‌های فرزندپروری شامل یادگیری مطالبی درباره چگونگی رشد و رفتار کودکان و درک اینکه در هر سنی چه رفتاری را باید از آن‌ها انتظار داشت، یادگیری راه‌های مثبت و مؤثر برای کنارآمدن با رفتارهای ناشایست، کسب مهارت در اطمینان‌خاطر دادن و محبت کردن به فرزندان و قاطع صحبت کردن می‌شود (شریعتمداری، ۱۳۸۸).

بنابراین هر خانواده شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می‌گیرد. این شیوه‌ها که شیوه‌های فرزندپروری نامیده می‌شوند متأثر از عوامل مختلف از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره می‌باشد. دانش‌آموزی که در کودکی مورد بی‌توجهی والدین قرار گرفته یا خانواده‌اش او را ترک کرده‌اند، در مرکز خودپنداره‌اش به جای مفهوم موفقیت، مفهوم شکست جای گرفته است. این خودپنداره‌ی منفی موجب تثبیت شدن پیام‌هایی چون «من دوست داشتنی نیستم، من خواستنی نیستم، یامن بد هستم» می‌شود که نتیجه این تفکرات در سازگاری دانش‌آموز در شرایط بحران و استرس‌زا خلل ایجاد می‌کند (حسینی نسب، احمدیان و روان بخش، ۱۳۹۱).

1. Garnezy

2. Masten

3. White.

4. Driver

5. Warren.

6. Smith.

7. Tooley

8. Montague

9. Robinson

10. Cosper

11. Paul

همانطور که می‌دانیم فرزندپروری به شیوه‌ی غالب بر تربیت فرزندان از سوی والدین اشاره دارد و بر چگونگی رشد و تکوین شخصیت کودک تأثیر بسزایی دارد. با توجه به تحقیقات انجام شده چهار سبک فرزندپروری فرزندپروری مقتدرانه، فرزندپروری مستبدانه، فرزندپروری سهل گیرانه، فرزندپروری مسامحه کارانه مورد تأکید می‌باشد (حسینی نسب و همکاران، ۱۳۹۱). با عنایت به اینکه نوجوانی دوره‌ای مهمی از زندگی فرد و سرآغاز مستقل شدن وی می‌باشد و شرایط آن با شرایط دوره قبل یعنی کودکی کاملاً متفاوت است طی این دوره مسایل استرس‌زای جدیدی برای نوجوان پیش می‌آید و اگر او نتواند این دوره را با موفقیت طی کند در آینده با مشکلاتی روبرو خواهد شد. در سال‌های اخیر مشکلات استرس‌زای نوجوان (از جمله شکست تحصیلی، مشکلات ارتباطی با اطرافیان، جدایی والدین، مرگ عزیزان و...) سیر صعودی پیدا کرده است. یکی از مؤلفه‌های اساسی و مهم در کاهش مسائل و مشکلات نوجوانان برخورداری از تاب‌آوری مناسب است. تاب‌آوری از بروز مشکلات روان‌شناختی در جوانان پیشگیری می‌کند و از آنها در برابر تأثیرات روان‌شناختی حوادث مشکل‌زا محافظت می‌نماید (پینکارت^{۱۲}، ۲۰۰۹). راتر^{۱۳} بر این باور است که افراد تاب‌آور لزوماً با چالش‌های کمتری مواجه نیستند بلکه وقتی با این تغییرات برخورد می‌کند، تعادل‌شان را سریع‌تر به دست می‌آورند و حتی نسبت به قبل قوی‌تر می‌شوند، دچار اختلال نمی‌شوند و از لحاظ جسمی و روانی سالم‌ترند (هارلینگتون^{۱۴}، ۲۰۱۰).

یکی دیگر از عواملی که می‌تواند بر افزایش تاب‌آوری اثر داشته باشد وجود باورهای مذهبی در افراد و به ویژه خانواده‌ها است. دین برای آدمی موهبتی است که او را به یک فلسفه حیات مسلح کرده و به عقل وی روشنگری می‌بخشد، بر اراده تأکید دارد و آن را می‌پرورد، به آدمی کمک می‌کند تا به فرمان‌های عقل گردن نهد. نیازهای اساسی روح به ویژه نیاز به عشق و جاودانگی را تحقق می‌بخشد و از این روست که تار و پود زندگی انسان به باورهای دینی تنیده شده است (خدایاری‌فرد، شکوهی و بناب، ۱۳۷۸). دور ماندن از باورهای اصیل مذهبی راه را برای ابتلای فرد به کشمکش‌های درونی و روانی، احساس پوچی و بی‌هدفی و یاس و ناامیدی در برابر محرومیت‌ها، ناملایمات و فشارهای روانی هموار می‌سازد (ظهور و توکلی، ۱۳۸۱).

می‌توان ادعا کرد که مذهب جزء جدایی‌ناپذیر زندگی بشر در تمام اعصار بوده است (ریاحی، علیوردی‌نیا و پورحسین، ۱۳۸۹) و بر تمام امور بشر به ویژه سلامتی وی تأثیر می‌گذارد (درگاهی، ۱۳۹۳). اعتقادات مذهبی با سرنوشت انسان پیوند خورده و جوشش‌های این عقاید در قلب انسان اصول زندگی انسان را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. جنبه‌های معنوی مذهب با تمرکز بر روی هیجانات مثبت، ممکن است با روابط گرم و افزایش حمایت اجتماعی رابطه داشته باشد که هر دوی آنها باعث افزایش سطح سلامت روانی فرد می‌شود (واللات و تمتن و همکاران^{۱۵}، ۲۰۰۸). نگرش مذهبی یعنی نوعی اعتقاد منسجم که در همه امور خداوند محور قرار می‌گیرد و اخلاقیات و رفتارهای انسانی، هماهنگ کننده بین ارزش‌ها است (صالحی و مسلمان، ۱۳۹۴؛ تی، چونگ، چانگ، وانگ^{۱۶}، ۲۰۱۶). در واقع آرامشی که مذهب به انسان می‌دهد همراه با حس نیرومند مسئولیت و اعتقاد به جاودانه بودن انسان و برتری جنبه‌های معنوی زندگی بر جهان مادی است؛ زیرا آرامش نتیجه ایمان مذهبی است نه علت آن. (دب، مک‌گیر و سان^{۱۷}، ۲۰۱۶)

به نظر می‌رسد افراد مذهبی به دلیل داشتن معنا در زندگی، امیدواری به یاری خداوند در شرایط بحرانی، بهره‌مندی از حمایت‌های اجتماعی و معنوی و احساس تعلق داشتن به منبعی والا در مواجهه با حوادث آسیب‌رسان فشار کمتری را متحمل می‌شوند (بالجانی، خشابی، امین پور و عظیمی، ۱۳۸۹؛ اصغری، کردمیرزا و احمدی، ۱۳۹۱). در نتیجه هرچه میزان باورهای

12. Pinquart

3. Rutter, m

14. Hurlington, k

15. Vaillat, G., Templeton, J., Ardelt, M., et all

16. Tsai, T-J., Chung, U-L., Chang, C-J., Wang, H-H

17. Deb, S., McGirr, K., Sun, J

مذهبی فرد قوی‌تر باشد میزان مصرف موادمخدر، بزهکاری، طلاق و خودکشی در او کمتر خواهد شد و بالعکس (محمدخانی، یگانه و کریم‌پور، ۱۳۹۳؛ مکارم و زنجانی، ۱۳۹۱). بنابراین نبود باورهای مذهبی در زندگی بشر موجب می‌شود که فرد احساس نگرانی، یاس، سردرگمی و در نهایت افسردگی کند. همچنین نگرش مذهبی ضعیف بر اعتماد به نفس و نحوه مقابله با مشکلات در زندگی اثر می‌گذارد (مالتبی و دی^{۱۸}، ۲۰۰۰).

داده‌های متفاوتی نشان می‌دهد که مذهب نیروی حمایت‌کننده در کاهش فشارهای روانی می‌باشد (لاری ونتس^{۱۹}، ۱۹۹۵). برای مثال مطالعات جلیلون، عودی، اکبری و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد که مذهب نقش بسزایی در بهبود امید به زندگی و رضایت از آن به ویژه در مواقع بحرانی شده است و افراد دارای نگرش مذهبی توانایی بیشتری برای کنترل شرایط موجود و مشکلات زندگی خود دارند.

پژوهش‌های رضایی، لطفی و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان داد که تقیّدات دینی و عملکردهای مذهبی سالم و مبتنی بر معنویت درونی با سلامت جسم، بهداشت روان و مقابله با عوامل استرس‌زا ارتباط دارد. همچنین مطالعات صحراییان، غلامی و امیدوار (۱۳۸۹) به این نتیجه دست یافت که از جمله مهمترین پیامدهای وجود نگرش مذهبی در زندگی افراد کاهش فشارهای روانی، افزایش عشق و علاقه به دیگران، تعهد و پای‌بندی به امور و امید به آینده است.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول

بین دین‌مداری با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم

بین شیوه‌های فرزندپروری با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

روش

روش پژوهش حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد و از لحاظ هدف نیز کاربردی است.

جامعه آماری تحقیق: جامعه آماری شامل تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر پایه اول تا چهارم متوسطه مدارس نمونه دولتی دوره دوم شهرستان فومن بودند در سال تحصیلی ۱۴۰۰ بود.

نمونه آماری و روش نمونه‌گیری: با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو-مرحله‌ای، تعداد ۲۰۰ نفر (۱۰۰ دختر، ۱۰۰ پسر) به عنوان نمونه تحقیق برگزیده شدند. بدین صورت که از کل مدارس به‌طور تصادفی دو مدرسه پسرانه و دو مدرسه دخترانه انتخاب شدند. تعداد کل کلاس‌های متوسطه این مدارس نمونه، جمعاً ۲۴ کلاس بود و از این تعداد ۱۲ کلاس (۶ کلاس دخترانه و ۶ کلاس پسرانه) بصورت تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)، نگرش مذهبی گلاک و استارک (۱۹۶۵) و پرسشنامه فرزندپروری بامریند (۱۹۹۱) پاسخ دادند.

¹⁸ Maltby, J., Day, L

¹⁹ Lury ventis, W

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند^{۲۰} (۱۹۹۱):

این پرسشنامه بر اساس نظریه بامریند، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که ۱۰ ماده آن به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می شوند. در این پرسشنامه آزمودنی شیوه ادراک شده فرزندپروری والدین خود را با مطالعه هر ماده با علامت بر حسب یک مقیاس لیکرت ۵ درجه ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم) مشخص می کند که به ترتیب از ۰ تا ۴ نمره گذاری شده و با جمع نمرات ۳ نمره مجزا در مورد آزادگذاری مطلق، استبدادی و اقتدار برای هر آزمودنی بدست می آید. بوری^{۲۱} (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ برای اقتدار منطقی گزارش نمود. جعفرزاده، فرخی و سهرابی (۱۳۹۴) ضریب اعتبار پرسشنامه را برای اقتدار منطقی ۰/۹۳، شیوه استبدادی ۰/۹۱ و شیوه آزادگذاری ۰/۸۹ بدست آورد. در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی این پرسشنامه را با روش همسانی درونی ۰/۷۵ برای شیوه سهل انگارانه، ۰/۸۱ برای شیوه استبدادی و نیز ۰/۸۹ و برای اقتدار منطقی محاسبه شد.

۲- پرسشنامه سنجش دین مداری:

این پرسشنامه توسط گلاک و استارک برای سنجیدن نگرش ها و باورهای دینی و دینداری ساخته شده است (گلاک و استارک^{۲۲}، ۱۹۶۵). برای استاندارد کردن در کشورهای مختلف اروپا، آمریکا، آفریقا و آسیا و بر روی پیروان ادیان مسیحیت، یهودیت و اسلام اجرا گردیده (طالبان، ۱۳۷۷) و با دین اسلام هم انطباق یافته است (سراج زاده، ۱۳۷۴). پرسشنامه حاضر یک سنجه پنج بعدی است که شامل ابعاد پنجگانه اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی و فکری به سنجش دینداری می پردازد. الف) بعد اعتقادی یا باورهای دینی: عبارت است از باورهایی که انتظار می رود پیروان آن دین به آنها اعتقاد داشته باشند. ب) بعد مناسکی یا اعمال دینی: شامل اعمال دینی مشخصی همچون عبادت، نماز، شرکت در آئین های دینی خاص، روزه گرفتن و... است که انتظار می رود پیروان هر دین آنها را به جای آورند. ج) بعد تجربی یا عواطف دینی: ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهری ربوبی همچون خدا یا واقعیتی غایی یا اقتداری متعالی است. د) بعد پیامدی یا آثار دینی: ناظر به اثرات باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است (گلاک و استارک، ۱۹۶۵؛ نقل از سراج زاده، ۱۳۷۴). مقیاس اندازه گیری مورد استفاده در این سنجش، لیکرت است که هر گویه پنج درجه ارزشی یعنی «کاملاً موافق، موافق، بینابین، مخالف، کاملاً مخالف» را در بر می گیرد و ارزشهای هر گویه بین ۰ تا ۴ متغیر در نوسان است. حاصل جمع عددی ارزش هر یک از گویه ها در کل، نمره ی دین مداری آزمودنی را نشان می دهد که بین ۰ تا ۱۰۴ نوسان دارد. میزان اعتبار این پرسشنامه در مطالعات مختلف بر روی نمونه های متفاوت تعیین گردیده که حاکی از اعتبار بالای آن در ابعاد مختلف می باشد. مقدار آلفای کرونباخ برای متغیرهای بعد اعتقادی ۰/۸۱، بعد عاطفی ۰/۷۵، بعد پیامدی ۰/۷۲، بعد مناسکی ۰/۸۳ می باشد (سراج زاده، ۱۳۷۴). در پژوهش حاضر ما از نمره کل این آزمون استفاده نمودیم و ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۱ برای آن محاسبه شد.

²⁰ Baumrind parenting styles questionnaire²¹ Buri²² Glock, C.Y., Stark, R.

۳- مقیاس تاب‌آوری^{۲۳} (CD-RISC) :

این پرسشنامه توسط کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) تهیه شد که شامل ۲۵ سوال و پاسخ‌های هر سوال به صورت یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است. برای هر گزینه نمرات ۰ تا ۴ بصورت کاملاً درست (۰)، به ندرت درست (۱)، گاهی درست (۲)، اغلب درست (۳) و همیشه درست (۴) امتیازبندی می‌شود. دامنه امتیاز قابل کسب بین ۰ تا ۱۰۰ و هر چه امتیاز بدست آمده به ۱۰۰ نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده‌ی تاب‌آوری بیشتر است. نمره کلی تاب‌آوری به چهار سطح (۲۵-۰)، (۵۰-۲۶)، (۷۵-۵۱) و (۱۰۰-۷۶) طبقه‌بندی می‌شود. سامانی، جوکار و صحراگرد (۱۳۸۸) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را در دانشجویان ۰/۸۷ بدست آورده بودند. ابوالقاسمی (۱۳۹۱) و محمدی (۱۳۸۶) ضریب آلفای کرونباخ این ابزار را ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. همچنین جعفرزاده، فرخی و سهرابی (۱۳۹۴) آلفای کرونباخ را ۰/۹۲ محاسبه کرده‌اند. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این ابزار ۰/۸۵ محاسبه شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: برای تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی و درصد) و آمار استنباطی (همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه) استفاده شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی و یافته‌های استنباطی

تحلیل داده‌ها روی ۲۰۰ دانش‌آموز (۱۰۰ دختر و ۱۰۰ پسر هرکدام ۵۰٪) انجام گرفت. جدول ۱- مشخصه‌های آماری شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای اصلی پژوهش و نیز ضرایب همبستگی پیرسون تاب‌آوری با شیوه‌های فرزندپروری و دین‌مداری را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱ شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی پیرسون تاب‌آوری با شیوه‌های فرزندپروری و دین‌مداری (n=۲۰۰)

متغیر	میانگین	انحراف معیار	ضریب r پیرسون با تاب‌آوری	P-value
تاب‌آوری	۳/۰۷۵	۱/۱۰۷	۱	-
فرزندپروری مقتدرانه	۲/۱۶۰	۱/۲۰۰	۰/۴۸۶	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری سهل‌گیرانه	۲/۳۸۵	۱/۲۷۸	-۰/۴۲۳	۰/۰۰۰۱
فرزندپروری مستبدانه	۲/۱۴۵	۱/۲۳۳	-۰/۳۸۶	۰/۰۰۰۱
دین‌مداری	۲/۹۱۵	۱/۱۹۷	۰/۲۸۰	۰/۰۰۰۱

با توجه نتایج جدول شماره ۱ مشخص شد که بین تاب‌آوری با شیوه‌های فرزندپروری و دین‌مداری در سطح اطمینان ۹۹٪ رابطه معنی‌دار وجود دارد ($P < ۰/۰۰۰۱$). این روابط برای دو شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه به ترتیب با ضرایب ۰/۴۲۳- و ۰/۳۸۶- معکوس مشاهده شد. پیش از اجرای تحلیل رگرسیون نتایج آزمون دوربین-واتسن نشان داد مفروضه‌ی مستقل بودن خطاها برای اجرای تحلیل دو تحلیل رگرسیون به روش ورود همزمان برقرار است ($DW=۱/۶۷$). در ادامه جدول- ۲ نتایج تحلیل واریانس مدل رگرسیون نمرات تاب‌آوری از روی شیوه‌های فرزندپروری و دین‌مداری را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲ نتایج تحلیل واریانس مدل رگرسیون نمرات تاب‌آوری از روی شیوه‌های فرزند‌پروری و دین‌مداری

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	P-value
رگرسیون	۵۸/۶۳۷	۳	۱۹/۵۴۶	۲۰/۶۸۱	۰/۰۰۰۱
خطا	۱۸۵/۲۳۸	۱۹۶	۰/۹۴۵		
کل	۲۴۳/۸۷۵	۱۹۹			

همانطور که در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود اثر رگرسیونی متغیر شیوه‌های فرزند‌پروری و دین‌مداری بر متغیر تاب‌آوری معنادار بوده است ($F=20/681, P<0/0001$). بدین مفهوم که تغییر نشان داده شده به وسیله مدل رگرسیونی بر اثر اتفاق و تصادف نیست. خلاصه مدل رگرسیون حاکی از آنست که ضریب همبستگی چندگانه بین متغیرهای شیوه‌های فرزند‌پروری و دین‌مداری با تاب‌آوری برابر با ۰/۴۹۰ می‌باشد و ضریب تعیین آن برابر با ۰/۲۴۰ است. به عبارت دیگر ۲۴ درصد از تغییرات در واریانس متغیر ملاک تاب‌آوری به وسیله متغیرهای پیش‌بین (شیوه‌های فرزند‌پروری و دین‌مداری) تبیین می‌شود و ضریب تعیین تعدیل شده (ΔR^2) برابر با ۰/۲۲۹ نشانگر آن بود که مدل پیش‌بینی مورد استفاده حدود ۲۳ درصد از تغییرات در تاب‌آوری را به حساب آورده است. جدول ۳- نتایج تحلیل رگرسیون نمرات تاب‌آوری دانش‌آموزان را از روی شیوه‌های فرزند‌پروری و دین‌مداری نشان می‌دهد.

جدول شماره ۳ نتایج تحلیل رگرسیون نمرات تاب‌آوری از روی شیوه‌های فرزند‌پروری و دین‌مداری

P-value	t-value	ضرایب استاندارد شده	ضرایب استاندارد نشده		پیش‌بین‌ها
		β	SE_E	B	
۰/۰۰۰۱	۱۳/۵۹۵	-	۰/۱۵۱	۲/۰۵۷	مقدار ثابت (constatnt)
۰/۰۰۰۱	۳/۷۴۱	۰/۴۱۸	۰/۱۰۳	۰/۳۸۶	فرزند‌پروری مقتدرانه
۰/۴۱۰	۰/۸۲۶	-۰/۰۱۱	۰/۱۱۳	۰/۰۰۹	فرزند‌پروری سهل‌گیرانه
۰/۴۱۰	۰/۸۲۶	-۰/۰۸۵	۰/۰۹۲	۰/۰۷۶	فرزند‌پروری مستبدانه
۰/۰۰۰۱	۶/۵۲۲	۰/۲۳۶	۰/۱۱۶	۰/۱۹۰	دین‌مداری
(دین‌مداری) ۰/۲۳۶ + (فرزند‌پروری مقتدرانه) ۰/۴۱۸ + ۲/۰۵۷ = constatnt = تاب‌آوری					تابع پیش‌بینی
۰/۰۰۰۱, $P<20/681$, $F=0/972$, $SE_E=0/229$, $\Delta R^2=0/24$, $R^2=$					خلاصه مدل

همانطور که در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود تنها دو متغیر فرزند‌پروری مقتدرانه ($\beta=0/418, P<0/0001$) و دین‌مداری ($\beta=0/236, P<0/0001$) ارتباط معنی‌داری با تاب‌آوری دارد و مقادیر آن‌را پیش‌بینی می‌کنند. علامت‌های ضرایب بتا می‌تواند همانند ضرایب همبستگی به دست آمده در این پژوهش تفسیر شود، با این وجود می‌توان گفت با یک واحد افزایش در انحراف استاندارد نمره فرزند‌پروری مقتدرانه و دین‌مداری، نمره تاب‌آوری به ترتیب به میزان ۰/۴۲ و ۰/۲۴ انحراف استاندارد افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

فرضیه اول: بین دین‌مداری با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جهت بررسی فرضیه اول از آزمون رگرسیون ساده به روش همزمان استفاده شد. ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر نگرش مذهبی با متغیر تاب‌آوری دانش‌آموزان برابر $0/460$ و ضریب تعیین آن برابر $0/211$ می‌باشد. به عبارت دیگر $0/211$ از تغییرات واریانس متغیر ملاک تاب‌آوری به وسیله متغیر پیش‌بین نگرش مذهبی تبیین می‌شود و ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که مدل مورد استفاده $0/207$ تغییرات در تاب‌آوری دانش‌آموزان را بحساب آورده است. با توجه به مقدار همبستگی به دست آمده و اینکه مقدار P به دست آمده کمتر از $0/05$ می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین نگرش مذهبی و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج این تحقیق با یافته‌های پژوهش‌های اگلند و همکاران (۱۹۹۳)، (هولمز، ۲۰۰۶)، هاشمی و جوکار (۱۳۹۰)، کشتکاران (۱۳۸۷) همسو و همخوان است. در تبیین این یافته پژوهش می‌توان گفت که مذهب می‌تواند عنوان یک اصل وحدت‌بخش و یک نیروی عظیم برای سلامت‌روان مفید و کمک‌کننده باشد. افرادی که به اعتقادات مذهبی پایبند هستند، دارای اضطراب و ناراحتی خیلی کمتری از کسانی هستند که به این اعتقاد پایبند نیستند. اعتقاد مذهبی می‌تواند موجب بالا بردن یکپارچگی و معنادادن به شخصیت فرد گردد. به وسیله ترویج دین می‌توان کمک فوق‌العاده‌ای به سلامت روان کرد. اعتقاد و توکل بر وجود غایی و توکل و اعتقاد به خدا، فرد را به منتهی درجه سلامت روان قابل تصور می‌کشاند. از طریق ارتباط با خداوند می‌توان اثر موقعیت‌های فشارزا و غیر قابل کنترل را به طریقی کنترل نمود. در رابطه با پایین بودن اضطراب و مذهبی بودن افراد، می‌توان عنوان کرد که میزان اضطراب با مذهبی بودن افراد ارتباط معکوس دارد. با توجه به یکی از علل آسیب‌پذیر بودن افراد، بی‌هدفی آنان است. مذهب نقش مهمی در هدفمند بودن زندگی انسان به وسیله کسب ارزش‌های سازنده دارد. امید نیز از دیگر پیامدهای مهم افراد دین‌دار و مذهبی می‌باشد. اضطراب کم، سلامت روان، هدفمند بودن زندگی، امید، رضایت در زندگی و... از فاکتورهای مهم در تاب‌آوری افراد بشمار می‌آید.

فرضیه دوم: بین شیوه‌های فرزندپروری با تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

فرضیه دوم پژوهش نیز تایید شد. در نتیجه بین شیوه‌های فرزندپروری والدین با تاب‌آوری دانش‌آموزان دختر و پسر مدارس نمونه دولتی مقطع متوسطه دوره دوم نیز رابطه وجود دارد. برای تجزیه و تحلیل فرضیه دوم از آزمون رگرسیون چندمتغیری به روش همزمان استفاده شد. ضریب همبستگی چندگانه بین متغیر شیوه‌های فرزندپروری با متغیر تاب‌آوری برابر $0/490$ می‌باشد و ضریب تعیین آن برابر $0/240$ می‌باشد. به عبارت دیگر $0/240$ از تغییرات واریانس متغیر ملاک تاب‌آوری به وسیله متغیر پیش‌بین شیوه‌های فرزندپروری تبیین می‌شود و ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که مدل مورد استفاده $0/229$ تغییرات در تاب‌آوری را بحساب آورده است. با توجه به مقدار همبستگی بدست آمده و اینکه مقدار P به دست آمده کمتر از $0/05$ می‌باشد، بنابراین نتیجه می‌گیریم که بین شیوه‌های فرزندپروری و تاب‌آوری دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. نتایج این تحقیق با یافته‌های پژوهش‌های (ولنتاین و فیناور، ۱۹۹۳؛ هاسر، ۱۹۹۹؛ کلایجیان و شاهینیان، ۱۹۹۸؛ پارگامنت، اسمیتو کوئینگ، ۱۹۹۶؛ ورنر و اسمیت، ۱۹۸۲؛ هاشمی و جوکار، ۱۳۹۰، البرزی و سامانی، ۱۳۸۰) همسو و همخوان است.

بنابراین می‌توان ادعا نمود خانواده بیشترین تاثیر را بر روند ساخت هویت فرهنگی-اجتماعی انسان و چگونگی شکل‌گیری این هویت دارد و فرزندپروری به عنوان شیوه تربیتی اعمال شده از سوی والدین شامل مجموعه رفتارهای متعدد و گوناگون طبیعی و بهنجار می‌باشد که آنها به منظور کنترل کردن و اجتماعی نمودن کودک از آن استفاده می‌کنند. والدین سهل‌گیر در ابعاد کنترل و خواست‌های خود معتدل و پایین از این سطح هستند و در مهرورزی حد وسط سه‌الگوی موجود را به خود اختصاص

می‌دهند. خانواده دارای والدین سهل‌گیر نسبتاً آشفته می‌باشد. فعالیت‌های خانواده نامرتب و اعمال مقررات اهمال کارانه است. بنابراین با توجه به چنین آرایش از عملکرد خانواده وجود رابطه منفی بین این شیوه فرزندپروری و عملکرد تحصیلی قابل انتظار است. اما والدین در شیوه مقتدرانه بینش‌های شناختی را به کودکان خود منتقل می‌سازند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک در رد یک رهنمود از خود نشان می‌دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع‌سازی از استدلال و منطق بهره می‌گیرند و نیز به منظور توافق با کودک از ارتباط کلامی استفاده می‌کنند. آن‌ها ظاهراً تحمل مقاومت در برابر قهر و غضب کودک را دارند. والدین مقتدر به آغاز تعامل کودک، به گونه‌ای پاسخ می‌گویند که معمولاً برای کودک خشنود کننده است. با توجه به اینکه خانواده‌ها تفاوت‌های زیادی از نقطه نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارند و همچنین از جهت نوع رفتار با فرزندان و فضای حاکم بر خانواده و رابطه والدین با فرزندان که به اشکال آزادی، استبدادی و یا دموکراسی می‌انجامد متفاوتند فرزندان نیز از نظر شخصیت اجتماعی و هویت فرهنگی یکسان تربیت نمی‌شوند. نگرش‌ها، تصورات و رفتار خانواده بیشترین تاثیر را بر رفتار اجتماعی و هویت فرهنگی و اجتماعی فرزندان دارد. به عنوان نتیجه نهایی می‌توان گفت که شیوه‌های فرزندپروری دموکراتیک، فرزندان اجتماعی و خالق پرورش می‌دهد. محور اساسی دموکراسی بر گفتگو، مذاکره و مشاوره استوار است. گفتگو، ستون اصلی دموکراسی و مهمترین عامل وجود مذاکره و مشاوره در خانواده می‌باشد. فعالیت‌های فرهنگی از هر نوعی در تولید این نوع نگرش، نقش مهمی دارند. در شیوه‌های فرزندپروری استبدادی که گفتگو جایگاهی ندارد، بیشتر فرزندان مجری می‌شوند. شیوه‌های آزادمنشانه والدین در صورت وجود زمان و توجه والدین، اکثراً فرزندان خالق تولید کرده و در صورت عدم وجود زمان گفتگو فرزندان بازیگر تولید می‌کنند.

هر انسانی به صورت فطری نیاز دارد به یک قدرت کاملاً برتر برای کاهش فشارهای روانی پناه ببرد. هرچه رابطه انسان - خدا قوی‌تر باشد؛ یعنی اعتقاد به قدرت برتر برای دستگیری و کمک‌رسانی او در برابر تهدیدها و بحران‌ها بیشتر است و این اعتقاد به افراد کمک می‌کند که در مشکلات و عوامل استرس‌زا شکیبایی بیشتری برای برطرف نمودن آنها از خود نشان دهد و در نتیجه این افراد دارای تاب‌آوری بیشتر و سلامت روانی بهتری هستند. از طرفی انواع سبک‌های فرزندپروری والدین به علت شکل دادن شخصیت افراد نقش بسزایی در چگونگی نگرش افراد به مشکلات و عوامل استرس‌زا دارد.

اگر شیوه‌های فرزندپروری والدین به گونه‌ای باشد که فضای گرم و صمیمی، دارای تقویت‌های مثبت، گفتگو و تعامل سازنده و همراه با کنترل باشد، به فرزندان در پذیرش و سازگاری با هنجارهای اجتماعی و مسائل پیش رو کمک بسزایی می‌کند. دانش - آموزی که در دوران کودکی مورد بی‌توجهی والدین قرار گرفته و یا الگوهای رفتاری مناسبی در خانواده آنها وجود نداشته، در تفکر و ذهن او مفهوم موفقیت و تلاش برای بدست آوردن پیروزی به درستی شکل نمی‌گیرد و در نتیجه سازگاری دانش‌آموز در شرایط بحران و استرس‌زا خلل ایجاد می‌شود. لازم است خانواده‌ها، مربیان و معلمان به شیوه‌های فرزندپروری خانواده‌ها و برنامه‌ریزی جهت تقویت نگرش مذهبی دانش‌آموزان در راستای تاب‌آوری دانش‌آموزان توجه کنند. در واقع، یادآوری این نکته واجب است که برای ایجاد اراده قوی در رویارویی با مشکلات و نیز پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان صرفاً به توانایی‌های هوشی آنان بستگی ندارد، بلکه به عوامل متعددی از جمله داشتن امید و سازگاری و همچنین شیوه‌های فرزندپروری خانواده‌ها بستگی دارد. لازم است آموزش و پرورش در ارتباط با نقش شیوه‌های فرزندپروری والدین و اجرای برنامه‌های مذهبی، برنامه‌های آموزشی مناسبی را برای انواع دوره‌های آموزش معلمان، آموزش خانواده، مدیران و دبیران تهیه و برگزار کند.

مناسک مذهبی از طریق فرایندهای مغزی موجب تغییرات فیزیولوژیکی در انسان می‌گردد. زیرا محرک‌های محیطی از راه مراکز قشری مغز و ارتباط متقابل آنها با مراکز غدد تالاموس و هیپوتالاموس مفهوم و رنگ هیجانی پیدا می‌کند. از سوی دیگر این

رابطه شیوه‌های فرزندپروری و دین‌مداری با تاب‌آوری دانش‌آموزان

مراکز با غده هیپوفیز در ارتباطند که در ترشح یا کاهش هورمون‌های استرس و مقاومت سیستم ایمنی بدن نقش به‌سزایی دارند (هال بوراک، ایزما، دبلیک، فیسر و لاکونبی^{۲۴}، ۲۰۱۶).

²⁴ Holbrook, C., Izuma, K., Deblieck, C., Fessler, DM., Iacoboni, M

منابع

- [۱] ابوالقاسمی، عباس. (۱۳۹۱). رابطه بین تاب‌آوری، خودکارآمدی و استرس با رضایت از زندگی در دانشجویان با پیشرفت تحصیلی بالا و پایین. مجله مطالعات روانشناسی. ۳(۷): ۱۵۲-۱۳۱.
- [۲] اصغری، فرهاد؛ کردمیرزا، عزت‌اله؛ احمدی، لیلا. (۱۳۹۲). رابطه نگرش مذهبی، منبع کنترل و گرایش به سوء مصرف مواد در دانشجویان. فصلنامه اعتیادپژوهی. ۷(۲۵): ۱۱۲-۱۰۳.
- [۳] بالجانی، اسفندیار؛ خشابی، جواد؛ امانپور، الهام؛ عظیمی، ندا. (۱۳۹۰). بررسی ارتباط بین سلامت معنوی، مذهب و امید در بیماران مبتلا به سرطان. مجله دانشکده پرستاری و مامایی. دوره ۱۷، شماره ۳، ص ۳۷-۲۷.
- [۴] جعفرزاده، نصر؛ فرخی، نورعلی؛ سهرابی اسمرود، فرامرز. (۱۳۹۴). رابطه شیوه فرزندپروری و تاب‌آوری با شادکامی دانش‌آموزان. فصلنامه روانشناسی تربیتی. ۱۱(۳۷): ۸۱-۶۷.
- [۵] حسینی نسب، فاطمه؛ احمدیان، داوود؛ روان بخش، محمدحسین. (۱۳۹۱). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری با خودکارآمدی و سلامت روانی دانش‌آموزان. ۹(۱): ص ۳۸-۲۱.
- [۶] خدایاری فرد، محمد؛ شکوهی یکتا، محسن؛ بناب، باقر. (۱۳۸۷). آماده‌سازی مقیاس سنجش دینداری برای جمعیت دانشجویی. مجله روانشناسی. ۴(۳): ۲۸۵-۲۶۸.
- [۷] درگاهی، حسین. (۱۳۹۳). بررسی سلامت روش‌های آموزش و پرورش بر اساس رویکردهای اسلامی. رویکردهای اسلامی در حال استفاده مجله دین و سلامت. ۲(۱): ۴۴-۳۹.
- [۸] رضایی شهسوارلو، راز؛ تقدسی، محسن؛ موسوی، معصومه سادات؛ م؛ لطفی، سجاده؛ هراتی، خدیجه. (۱۳۹۳ و ۱۳۹۵). ارتباط بین سلامت معنوی و نگرش مذهبی با رضایت از زندگی در بین سالمندان مبتلا به سرطان در کاشان. نشریه روان پرستاری. ۱۱(۲): ۵۴-۴۵.
- [۹] رنجبر، ف؛ کاکاوند، ع؛ برجعلی، ا؛ برماس، ح. (۱۳۹۰). تاب‌آوری و کیفیت زندگی مادران دارای فرزند کم‌توان ذهنی. فصلنامه روانشناسی سلامت. دوره ۱، ص ۲۷-۱۸.
- [۱۰] ریاحی، م؛ علیوردی نیا، ا؛ پورحسین، ز. (۱۳۸۹). رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روانی. رفاه اجتماعی. ۱۰(۳۹): ۸۵-۱۲۱.
- [۱۱] سامانی، سعید؛ جوکار، بهرام؛ صحراگرد، نازنین. (۱۳۸۸). اثرات تاب‌آوری بر سلامت روان و رضایت از زندگی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار). ۳(۱۳): ۲۹۵-۲۹۰.
- [۱۲] سراج زاده، سید حسین. (۱۳۷۸). نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان تهرانی و دلالت‌های آنان برای نظریه سکولار شدن. نمایه پژوهش. ش ۷ و ۸، ۱۱۸-۱۰۵.
- [۱۳] شریعت مداری، آسیه. (۱۳۸۸). راهبردهای راهنمایی و آموزش خانواده. شیوه‌های فرزندپروری. مجله علوم رفتاری. دوره ۵، شماره ۲، ص ۱۴-۱.
- [۱۴] صالحی، ایرج؛ مسلمان، مهسا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین نگرش مذهبی، افسردگی، اضطراب و استرس در بین دانشجویان دانشگاه گیلان. دین و سلامتی. ۳(۱): ۶۴-۵۷.
- [۱۵] صحراییان، علی؛ غلامی، عبدالله؛ امیدوار، بنفشه. (۱۳۹۰). رابطه بین نگرش مذهبی و شادکامی در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز. افق دانش. دوره ۱۷، شماره ۱، ص ۷۵-۶۹.
- [۱۶] طالبان، م.ر. (۱۳۸۰). دینداری و بزهکاری. موسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات. تهران.
- [۱۷] ظهور، علی رضا؛ توکلی، علی. (۱۳۸۰). وضعیت نگرش مذهبی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمان. ارمان دانش. ۷(۲۸): ۵۲-۴۵.
- [۱۸] کشتکارن، طاهره. (۱۳۸۸). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده با تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه شیراز. دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. ۳۹(۱۱): ص ۵۳-۴۳.

- [۱۹] محمدخانی، ش؛ یگانه، ت؛ کریمی پور، ک. (۱۳۹۳). نقش باورهای مذهبی و خودکنترلی در پیش‌بینی گرایش به داروهای اعتیادآور. *مجله سلامت و پرستاری* ۱۷(۳): ۵۹-۲۴۸.
- [۲۰] محمدی، مسلم. (۱۳۸۶). عوامل مؤثر بر تاب‌آوری در افراد وابسته به مواد در معرض خطر. پایان‌نامه دکتری روانشناسی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران.
- [۲۱] مکارم، سپیده؛ زنجانی، زهرا. (۱۳۹۲). رابطه دینداری فرد، خانواده و اعتقاد به پیامدهای مصرف مواد با مصرف میزان مواد مخدر. *اعتیادپژوهی*. دوره ۷، شماره ۲۸: ۷۵-۸۸.
- [۲۲] مؤمنی، خدامراد؛ شهبازی راد، افسانه. (۱۳۹۱). رابطه معنویت، تاب‌آوری و راهبردهای مقابله‌ای با کیفیت زندگی دانشجویان. *مجله علوم رفتاری*، دوره ۶، شماره ۶، ص ۹۷-۱۰۳.
- [۲۳] هاشمی، لادن؛ جوکار، بهرام. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تعالی معنوی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه. *مطالعات روانشناسی تربیتی*. دوره ۸؛ شماره ۱۳؛ صص ۱۴۲-۱۲۳.
- [۲۴] هاشمی، لادن؛ رضویه، اصغر. (۱۳۹۰). بررسی روایی و پایایی مقیاس تعالی معنوی. *مجله دانشور رفتار*. (دردست چاپ)
- [۲۵] هیبتی، جلیل. (۱۳۸۳). بررسی شیوه‌های فرزندپروری والدین و رابطه آن با شیوه‌های مقابله با استرس دانش‌آموزان دختر و پسر سوم دبیرستان شهر رزقان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.
- [26] Deb, S., McGirr, K., Sun, J. (2016). Spirituality in indian university students and its Associations with Socioeconomic status, Religious Background, Social Support and mental health. *Journal of religion and health*. 55, 1623- 41.
- [27] Egeland, B.R., & Stroufe, L.A. (1993). Resilience as process. *Developmental psychology*. 5, 517-528.
- [28] Glock, C.Y., Stark, R. (1966). *Christian Beliefs and Anti-Semitism*. New York: Harper and Row.
- [29] Hauser, S.T., & Allen, P.J. (2006). Overcoming Adversity in Adolescence: Narratives of Resilience. *Psychoanalytic Inquiry*. New York: Vol.26, Iss.4; p.549(28 pages).
- [30] Holbrook, C., Izuma, K., Deblieck, C., Fessler, D.M., Iacoboni, M. (2016). Neuromodulation of group prejudice and religious belief. *Social cognitive and affective neuroscience*. 11(3): 387- 94.
- [31] Hurlington, K. (2010). Boosting Resilience in student: Teachers as protective factors <http://www.edu.gov.on.ca/eng/literacynumeracy/publication.htm>
- [32] Krejcie, R., Morgan, D. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational Psychology Measures*. 30: 607- 610.
- [33] Luray, W. (1995). The relationship between religion and mental health. *Journal of social issues*. No15, p 33- 48.
- [34] Maltby, J., Day, L. (2000). Examining the relationship between religiosity and depression within the context of other correlates of depression. *Pers Individ Dif*. 28(2): 383- 93.
- [35] Pargament, K.I., Smith, B., & Koenig, H. (1996). Religious coping with the Oklahoma City bombing: the brief RCOPE. Paper presented at the Annual Convention of the American Psychological Association, Toronto, ON.
- [36] Tsai, T.-J., Chung, U.-L., Chang, C.-J., Wang, H.-H. (2016). Influence of religious beliefs on the health of cancer patients. *Asian Pacific Journal of Cancer Prevention*. 17(4): 2315- 20.
- [37] Vaillant, G., Templeton, J., Ardel, M., et al. (2008). The natural history of male mental health: health religious involvement. *Journal of social science and medicine*. 66(2): 221- 231.
- [38] Valentine, L., & Feinauer, L.I. (1993). Resilience factors associated with female survivors of childhood sexual abuse. *American Journal of Family Therapy*.